

تجلی تمایلات سیاسی سلاطین مملوکی در نقوش پارچه

چکیده

منسوجات یکی از نخستین ملزوماتی زندگی انسان است که بشر از بدو خلقت در صدد پاسخگویی به آن بوده است. مطالعه تاریخچه منسوجات حاکی از این است که این ساخته دست بشر به تدریجی سیر تکوینی را پشت سر گذاشته است و در هر دوره‌ای متناسب عوامل مختلف تغییراتی را در جنس و نقش به خود دیده است. مصر، خاستگاه یکی از کهن‌ترین تمدنهای بشری است لذا بررسی منسوجات در این جغرافیا می‌تواند پاسخگویی سؤالات متعددی باشد. یکی از حکومت‌هایی که برای مدتی بر مصر حکومت داشت ممالیک (۱۲۵۰-۱۵۱۷م) بودند. جامعه مصر در عصر مملوکی مملو از منسوجات مختلف بود؛ که هر کدام به نحوی بیانگر میزان ثروت و موقعیت صاحبان آن بود. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های باستان‌شناسی و کتابخانه‌ای انجام شده‌است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که لباس نزد سلاطین مملوکی چیزی بیش از یک پوشش فاخر بود. این حاکمان هنر و صنعت را ابزاری جهت تبلیغ قدرت و حکومت خویش به کار بردند. توجه به لباس با پارچه‌های ابریشمی رنگین مزین به نقوش و نشان‌های قدرت و رنگ‌های مخصوص هر حاکم در دربار مملوکی را نمی‌توان فاقد اهداف سیاسی دانست. استفاده از لباس و خلعت به‌عنوان هدایای سیاسی و همچنین جایگاه این آثار در نصب و خلع‌های حاکمان مهر تأییدی بر استراتژی ممالیک در مقبولیت‌بخشی و هویت‌یابی خود به عنوان تنها حاکمان اسلامی مورد قبول خلیفه است. متناسب با این نوع نیاز، در این دوره سبک و روشی در طراحی پارچه شکل گرفت، که پاسخگوی نیاز سیاسی و اجتماعی دربار باشد. در این دسته از منسوجات نه‌تنها عنوان و القاب سلاطین به عنوان یک ابزار هویت‌ساز به کار رفته‌اند بلکه در بسیاری از نمونه‌ها این القاب در کنار نقوشی همچون اژدها، سیمرخ، مدالیون، نیلوفر، که در چین نقوش مرتبط با قدرت هستند دیده می‌شود. در واقع سبک نقوش منسوجات مملوکی پاسخگوی نیاز سیاسی و هویتی آن‌ها بوده است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی وضعیت منسوجات در دوره سلطنت ممالیک بر مصر.
۲. بررسی نقش اهداف سیاسی ممالیک مصر در طرح‌های پارچه.

سؤالات پژوهش:

۱. منسوجات در دوره سلطنت ممالیک بر مصر چه وضعیتی داشت؟
۲. اهداف و تمایلات سیاسی ممالیک مصر چه بازتابی در نقوش پارچه در این دوره تاریخی داشت؟

کلیدواژه‌ها: منسوجات، ممالیک مصر، نقوش پارچه، مسئله مشروعیت سیاسی.

مقدمه

حکومت ممالیک در حد فاصل داشت ممالیک (۶۴۸-۹۲۳ ه.ق/۱۲۵۰-۱۵۱۷ م) بر مصر حکومت داشتند. این حاکمان خاستگاه غلامی داشتند. سپاه ایوبی شامل طبقات بسیاری بود و یکی از آن گروه‌ها پانصد محافظ شخصی با لباس زرد رنگ بودند که ممالیک خوانده می‌شدند. آن‌ها پس از یک دوره طولانی حضور در سپاه ایوبی موفق به تشکیل حکومت شدند. حاکمان مملوکی خیلی زود به این مسأله واقف شدند که جهت تداوم حکومتشان لازم است تا قدرت و مشروعیت خود را به عنوان حاکمان بلامنازع اسلام بر فرمانروایان قدرتمند سایر سرزمین‌ها اثبات کنند. مشکلات سیاسی ناشی از عدم مقبولیت ممالیک به واسطه هویت غلامی آن‌ها موجب شد تا ممالیک به عنوان استراتژی بقا تمهیداتی را اندیشیده و در سطوح مختلف جامعه اجرا کنند. بخشی از این فرایند در ادبیات و فرهنگ‌سازی ادبی بود و بخش دیگر به واسطه هنر در مصر و سوریه مجال بروز پیدا کرد. به عبارت دیگر از آن جاکه مملوکیان غلامان ترک بودند مردم مصر و شام تنها به خاطر مقابله تحسین برانگیزشان در برابر صلیبیون و مغولان و همچنین حمایت خلیفه عباسی از قاهره از آن‌ها پذیرفتند؛ وگرنه حاضر به پذیرش آنان نبودند. در این راستا، هنر و دیگر صنایع کاربردی جامعه تبدیل به ابزارهایی برای نمایش قدرت شدند. علاوه بر ادبیات امیران و حاکمان ممالیک صنایع را از آن جهت که از طریق تجارت به سایر بلادها راه می‌یافت ابزار مناسب هویت‌جویی خود، مناسب یافتند. خصوصاً صنایع فلزی و منسوجات زمینه را برای این مسأله فراهم می‌ساختند تا آنجا که هر پادشاه برای نمایش قدرت و اقتدار خود نشان مخصوصی داشت که بر این آثار نقش می‌بست.

در خصوص پیشینه پژوهش باید گفت تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است. مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی طراحی منسوجات ایلخانی و ممالیک مصر در قرون هفتم و هشتم هجری» توسط فرهود و دهملاییان (۱۳۹۵) به رشته تحریر درآمده است. نویسندگان در این مقاله ضمن انجام یک بررسی تطبیقی از منسوجات این دو حکومت، در طرح و نقش به تأثیرپذیری آن‌ها بر یکدیگر اذعان دارد. این اثر محدود به میزان تأثیرپذیری منسوجات ممالیک از ایلخانیان به واسطه روابط سیاسی و اقتصادی بوده است و اشاره‌ای به مبانی فلسفی داخلی طرح و نقوش پارچه در قلمرو ممالیک ندارد. مهناز شایسته‌فر (۱۳۸۵) در کتاب هنر اسلامی نوشته پاتریشیا بیکر به معرفی منسوجات اسلامی پرداخته‌اند. اما واکاوی مبحث منسوجات فاخر دربار مملوکی و نقوش آن‌ها تا به حال به طور تخصصی انجام نشده است. لذا پژوهش حاضر می‌تواند آغازگر این راه باشد. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های باستان‌شناسی و منابع کتابخانه‌ای درصدد واکاوی ماهیت منسوجات و نقوش پارچه در دوره حکومت ممالیک بر مصر است.

نتیجه‌گیری

مطالعه و بررسی نمونه‌های موردی نقوش پارچه مربوط به دوره مماليك حاکمی از این است که نیاز به ایجاد مقبولیت در نزد مردم مصر و سوریه و همچنین حاکمان سایر سرزمین‌های اسلامی همچون ایران (مغول‌ها) از سوی حاکمان مملوکی موجب شد تا پارچه نقش سیاسی به خود بگیرد. نیاز استفاده از الیاف فاخر همچون ابریشم و طلا موجب شد که صنعت نساجی در مصر دچار تحول شود. در این دوران، نخ‌هایی Z تاب که در ایران کاربرد داشت، کمابیش جایگزین نخ‌های سنتی مصری S تاب شد. استفاده از دستگاه زربفت در تولید نخ Z تاب کمک کرد تا صنعت نساجی بتواند پارچه‌هایی با غلبه جنس ابریشم (با ابریشم بیشتر) تولید کند. همین تغییر در استفاده از تکنولوژی تولید، امکان دیباچه‌ای غنی از نقوش در شکل خطی و قرینه آینه‌ای را فراهم ساخت. لذا امیران مملوکی بدون هیچ محدودیتی، نقوشی که پاسخگوی اهداف سیاسی و اجتماعی آن‌ها بود را به تولیدکنندگان سفارش می‌دادند. براین اساس می‌توان دریافت که هرچند مملوکیان یک کارگاه سلطنتی مشخصی در تمام طول سلطنتشان در دربار به تولید نسوج اختصاص ندادند اما نیاز اجتماعی آن‌ها بر مشروعیت‌بخشی به هویت جدیدشان به عنوان حاکمان سرزمین‌های اسلامی در مقابل هویت غلامی و بردگی گذشته موجب شد تا نقش پررنگی در منسوجات فاخر این دوره داشته باشند. چنانچه نام مملوکی در کنار منسوجات این برهه از زمان جاودانه شده است و امروزه می‌توان از سبک مملوکی به‌عنوان یک سبک در صنعت نساجی مستقل سخن گفت.

منابع:

السید، النشار. (۱۴۱۳)، تاریخ المکتبات فی مصرالعصر المملوکی، تقدیم محمد فتحی عبدالهادی و جوزیف نسیم یوسف، دارالمصده اللبنانیه، الطبعة الأولى.

بلر، شیلا؛ ام بلوم، جانانان. (۱۳۸۱) هنر و معماری اسلامی، اردشیر اشراقی، چاپ اول، تهران: انتشارات سروش. شبارو، عصام محمد. (۱۳۸۰). دولت مماليك و نقش سیاسی و تمدنی آن در تاریخ اسلام، شهلا بختیاری، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

عزالدین علی، محمد کمال‌الدین. (۱۴۱۴). داراسات نقدیه فی المصادر التاريخیه، بیروت: عالم‌الکبر.

ماجد، عبدالمنعم. (۱۹۷۹). نظم دوله سلاطین المماليك و رسومهم فی مصر، قاهره: مکتب الانجلوالمصریه.

موسی پاشا، عمر. (۱۴۱۹). تاریخ الأدب العربی العصر المملوکی، دمشق: دارالفکر، إعادة الطبعة الأولى.

Baker, L. (1995). *Islamic Textiles*, London.

Bellinger, L. (1984). "Technical Analysis," in *Catalogue of Dated Tiraz Fabrics*, 101 – 9.

Mackie, L. (1984). "Toward an Understanding of Mamluk Silks: National and International Considerations." *Muqarnas: An Annual on Islamic Art and Architecture* 127-146.

Mayer, L.A. (1952). Mamluk Costume, The effects that development in ceremonial had on Mamluk art of the fourteenth century are examined in Bethany Medieval Sgraffito, W.(Phd .diss., University of Toronto).

Walker , J.B. (1998). The Ceramic Correlates of Decline in the Mamluk Sultanate: An Analysis of Late medieval sgraffito wares , (Phd .diss., University of Toronto).

<https://www.benaki.org>

<https://goteborgskonstmuseum.se>

<https://www.metmuseum.org>

<https://miaegypt.org/>

<https://museum.gwu.edu>

<https://www.smb.museum>

<https://www.vam.ac.uk>

